

از دامنِ مادر

بر اساس زندگی نامه شهیدان محمود و محمدرضا کبیری

www.ketab.ir

زینب شعبانی

به اهتمام

فهمیه مومنی راد

همه حقوق برای مولف محفوظ می باشد.

سرشناسه	:	شعبانی، زینب، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پندیاور	:	از دامان مادر: بر اساس زندگینامه شهیدان محمود و محمدرضا کبیری / زینب شعبانی: به اهتمام فهیمه مومنی-راد؛ واپایش محمد برخوردار: (برای اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان همدان).
مشخصات نشر	:	همدان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان همدان، انتشارات حماسه ماندگار، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۲۹ ص: مصور (رنگی)، نمونه (بخشی رنگی).
شابک	:	978-622-7170-35-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	کبیری، محمود، ۱۳۲۷-۱۳۶۵.
موضوع	:	کبیری، محمدرضا، ۱۳۴۶-۱۳۶۵.
موضوع	:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان
موضوع	:	Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs
موضوع	:	شهیدان -- ایران -- همدان -- بازماندگان -- خاطرات
موضوع	:	Martyrs -- Iran -- Hamedan -- Survivors -- Diaries
شناسه افزوده	:	مومنی راد، فهیمه، ۱۳۶۶-، گردآورنده
شناسه افزوده	:	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان همدان
شناسه افزوده	:	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان همدان، انتشارات حماسه ماندگار
رده بندی کنگره	:	۱۶۲۵DSR
رده بندی دیویی	:	۰۸۳۰۹۲۲/۹۵۵
شماره کاتالانسی ملی	:	۸۳۶۹۷۶۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیبا

عنوان: از دامان مادر

مجری طرح: مدیریت ادبیات و انتشارات

مولف: زینب شعبانی

ناشر: حماسه ماندگار

واپایش: محمد برخوردار

طراح جلد: سهیل محمدی

صفحه آرا: کتاب کلک

ناظر چاپ: محمد برخوردار

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۷۰-۳۵-۱

آدرس: بلوار بعثت، بالاتر از استانداری، مابین شکریه و هنرستان

☎ ۰۸۱-۳۸۲۷۹۰۰۰



اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس
اسلام همدان

مقدمه

همه دور مدار مادر می‌چرخیدند. همه از مادر می‌گفتند و مهربانی و فداکاری او برای بچه‌ها. نه فقط بچه‌های خودش بلکه هر بچه‌ای که به مدار او نزدیک می‌شد. بچه‌ها ستارگانی بودند دور خورشید مادر. مادر ...

مهربان بود، شوخ طبع و لطیفه‌گو، پرانرژی و نگران. چه مجموعه زیبایی می‌سازد این رفتارهای گاه می‌متناقض و چه اعجوبه‌ای است مادر. مادر یعنی ریشه، یعنی زمین، یعنی خاک، یعنی شجره طیبه‌ای که میوه‌هایش تا آسمان بالا می‌رود. خوش به سعادت خانه‌ای که مادرش ریشه باشد.

و چه خانه‌ای می‌شود این خانه. خدا به آنها اجازه می‌دهد که صدای ذکر و مناجاتشان بالا رود «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكُرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^۱ و برگزیده می‌شوند جوانانی از این خانه، تا سر را به راه دوست دهند. خواستیم روایت شهادی خانواده را بیان کنیم محمدرضا و محمود کبری؛ دیدیم نمی‌شود از محمود گفت و از مادر نگفت، از محمدرضا گفت و از مادر نگفت. از قاسم و حسن و

هادی و حسین و خلاصه همه بودند و مادر در کنار همه بود. یاد جمله قشنگ امام (ره) افتادم که می گفت: «از دامن زن مرد به معراج می رسد.» از مادر گفتیم و او از مادرش و او هم از مادرش و چه زنانی بودند شیر زنان جامعه ما که این چنین پسرانی را تربیت کردند و به جامعه تحویل دادند. نشستیم پای صحبت مادر و فرزندان او که آنها هم مجاهد بودند و جانباز و نمی شد ذره ای از خاطراتشان گذشت. از لحظه لحظه روزهای انقلاب و جنگ حرف هایی داشت برای گفتن و شنیدن. این کتاب روایت پسران کبیری است و ریشه ای که آنها را به آسمان رساند.

سپاسگزارم از مادر عزیز شهیدان کبیری که با هر کلمه بغض کرد و با هر بغضی دردی را فرو خورد. سپاسگزارم از برادران و خواهر بزرگوار شهیدان کبیری که لحظه هایی ما را با خود همراه کردند تا کمی درک کنیم روزهای پرتلاطم جنگ را و سپاسگزارم از دوستان گرامی، خانم فهیمه مومنی راد و خانم زهرا محمدی که در تهیه مصاحبه ها ما را یاری کردند.

